

عن القطع، لعدم كونه حجة بالمعنى الأصولي،
كما تقدّم^(١).

حدس

لغة:

الظن^(١)، وقيل: الظن المؤكّد^(٢)، وحدس في
الأرض: ذهب على غير هداية، وحدس في السير:
أسرع^(٣).

اصطلاحاً:

يراد به الظن، ولعلّه يراد به الظنّ الراجح،
وهو المؤكّد كما تقدّم.

وفي مجمع البحرين: «الحدس في اللغة
الظنّ، وفي الاصطلاح العلمي: سرعة انتقال الذهن
من المبادئ إلى المطالب»^(٤). وقيل: هو «سرعة
الانتقال في الفهم والاستنتاج»^(٥)، وقيل: هو:
«إدراك الأمور الخفية من غير دليل ملموس»^(٦).

الأحكام:

بحث الأصوليون عن الحدس عند الكلام
عن حجة الإجماع المنقول، كما لو ذكر فقيه قيام
الإجماع على مسألة فقهية، فهل يكون إخباره

نعم، هو حجة بمعناها اللغوي.

٤- مباحث الأصول العملية:

وهي التي يبحث فيها عن مرجع المجتهد
عند فقدان الأمانة على الحكم، فيدخل فيها:
البحث عن البراءة، والاحتياط، والاستصحاب،
ونحوها.

٥- مباحث التعادل والتراجيح:

وهذا البحث كخاتمة لعلم الأصول وليس
من صلبه، حيث يبحث فيه عن تعارض
الأدلة^(٣).

مطابق البحث:

أكثر الأبحاث حول الحجة بمعانيها الثلاثة
تطرح في أول مبحث القطع حيث يبحث فيه عن أن
القطع هل هو من المسائل الأصولية وينطبق عليه
عنوان الحجة أم لا.

وربّما يتعرّض له في مواضع أخرى

بالمناسبة.

(١) أنظر: ترتيب كتاب العين، والصحاح، والقاموس
المحيط: «حدس».

(٢) و (٣) أنظر المصباح المنير: «حدس».

(٤) مجمع البحرين: «حدس».

(٥) و (٦) معجم لغة الفقهاء: «حدس».

(١) وعلى هذا لا تدخل مباحث القطع في علم الأصول كما
صرّح به بعضهم، بل تدخل في علم الكلام. أنظر: فوائد
الأصول ٣: ٩، وموسوعة الإمام الخوئي ٤٧: ٣.

(٢) أنظر ذلك كله في أصول الفقه ١: ٧-٨.

مختصری از تریخ حال ظلی، بهمن مجله موزیک ایران، س ۱ ش ۱۰ (اسفند ۱۳۳۱) / هنگ «به ایزد پناهنده گردید ظلی» ویژه ششمین جشنواره سراسری موسیقی فجر (۱۲ - ۲۲ بهمن ۱۳۶۸)؛ انجمن موسیقی ایران، ش ۴، ۱۳۶۸، ش ۴۱. سید علی رضا میرعلی نقی

ظن، گونه‌ای از مبادی استدلال از حیث ماده است و قضایایی است که باور و اذعان به آن احکام و ایسته به گمان و استدلال غیر یقینی است. در فلسفه، به مفهوم اعتقاد راجح همراه با احتمال نقیض که در شک و یقین به کار می‌رود. گفته‌اند ظن یکی از طرفین شک همراه با رجحان است. ابن سینا گوید: ظن حقیقی عبارت است از اعتقاد به این که چیزی به حالتی است و ممکن است به آن حالت نباشد و علم یعنی اعتقاد و آگاهی به این که شیء به حالتی خاص است و ممکن نیست که به این حالت باشد و این به واسطه امری است که این حالت را ایجاب می‌کند و شیء نیز دارای چنین حالتی است. ظن دارای دو معنی است: الف) ظن صرف، ب) ظن مقابل یقین. در مقدمات قیاس مراد از مضمونات، ظن صرف است نه ظن در مقابل یقین و آن قضایا و احکامی است که احتجاج کننده در استدلال چنان می‌نماید که معانی احکام را به طور قطعی باور دارد، ولی اعتقاد به آن احکام به نزد خودش به گونه‌ای اعتقاد راجح است، با احتمال به این که ممکن است به گونه مرجوح مقابل حکم مورد اعتقاد هم تحقق یابد. در تحقق ظن صرف، ترجیح یکی از دو طرف حکم، بر طرف دیگر ضرورت دارد.

مضمونات قضایایی هستند که ذهن آنها را تصدیق می‌کند. تصدیق ذهن نسبت به مضمونات، جازم و ثابت نیست بلکه همواره امکان نقض آن هم به ذهن می‌آید. ولی ذهن آن را به نقیضش رجحان می‌دهد، یعنی احتمال آن را بیش از نقیض آن می‌داند، مانند: او شبانه در کوی آمد و شد دارد، پس سوء قصدی دارد. استعمال مضمونات در قیاس خطابی است. همچنین ظنون عبارت از هر چیزی است که مورد اعتقاد نباشد. بررسی رجحان، قضایای مضمون در یکی از مبادی سه گانه: مشهورات ظاهری، مقبولات و مسلمات است، زیرا سبب رجحان حکم از این سه قسم بیرون نیست: (۱) شهرت غیر حقیقی باعث رجحان یکی از دو طرف حکم شده باشد (مشهودات ظاهری)؛ (۲) احکام مضمون به فرزندگان و راستگویان نسبت داده شده باشد و همین امر سبب رجحان یکی از دو طرف حکم باشد، بنابراین چنین مضموناتی قضایای مقبوله‌اند؛ (۳) سبب رجحان حکم، تجربه اکثری، تواتر، حدس غیر حقیقی و یا همانند آن باشد. بنابراین مضمون داخل در مسلمات است.

معنای دیگر ظن، ظن در مقابل یقین است که دایره معنای

آن از ظن صرف وسیع تر است. معنای یقین متحقق به سه شرط است: الف) اعتقاد قطعی به حکم و اذعان به آن؛ ب) تطابق حکم اعتقادی با واقع و نفس الامر؛ ج) پیدا و آشکار بودن سبب حکمی، که مورد اعتقاد است. نبودن شرط نخست و تحقق اعتقاد راجح نسبت به حکم، موجب پیدایش، ظن صرف است. عدم تطابق حکم مورد اعتقاد با واقع، تحقق معنای جهل مرکب است. پنهان بودن علت و سبب حکم مورد اعتقاد، سبب به وجود آمدن اعتقاد تقلیدی است. بنابراین ظن مقابل یقین عام، و معنای ظن صرف، خاص است زیرا ظن مقابل یقین، شامل همه اقسام یقین است. ابن سینا گوید: مضمونات، به غلبه گمان پذیرفته می‌شوند.

منابع: اشارات و تنبیهات، ابن سینا، ۶۵۶/۲؛ دانشنامه علایی، همو، ۱۲۶؛ فرهنگ فلسفی، صانعی، ۴۵۰؛ منطق صوری، خوانساری، ۲۰۹؛ مصطلحات فلسفی ملاحظه‌ساز، سجادی، ۱۶۷؛ نجات، ابن سینا، ۶۴.

حسن سید عرب

ظهار، به کسر ظ از ثلاثی مجرد ظهر (یعنی پشت که عضوی از بدن است) و ظهار این است که مرد به همسرش می‌گوید: انت علی کظهر امی = تو دیگر بر من مانند پشت مادرم هستی؛ کنایه از اینکه بعد از ادای این عبارت دیگر همسر وی نیست و بر وی حرام است. از زمان جاهلیت این نوع طلاق دادن مرسوم بود و اسلام آن را منسوخ و موکول به ادای کفاره ساخت.

ظهار اختصاص به زوج داشته و از طرف زوجه اثری بر آن مترتب نیست و حکم ظهار خاص صورتی است که مرد همسر خود را تشبیه به مادر کند و در صورت تشبیه به سایر اندامها ظهار واقع نمی‌شود (این مسئله مورد بحث است). همچنین در قید مادر خصوصیتی ندارد. پس اگر مرد همسر خود را به یکی از محرمات تشبیه سازد، ظهار صادق است. شخص ظهار کننده باید دارای کمال عقل بوده و صدور عمل از او از روی قصد و اختیار باشد و در حال مستی و بیهوشی و یا در حال غضب این عمل از او سر نزده باشد. در صورتی که شوهر قصد اضرار داشته باشد و یا این که آن را به نحو بیمین و قسم واقع سازد نام ظهار بر آن صادق نیست. می‌توان ظهار را معلق به شرطی نمود که در این صورت تا حصول شرط ظهار واقع نمی‌شود و زن بر او حلال است.

در تحقق ظهار وجود تمام شرایط طلاق ضروری است لذا ایقاع آن باید: (۱) در حضور دو شاهد عادل باشد؛ (۲) بین زوجه عقد ازدواج دائم یا منقطع وجود داشته باشد (در اینکه حکم شامل ازدواج موقت نیز می‌شود، بین فقها اختلاف نظر است)؛ (۳) ظهار نسبت بر زن مدخول‌بها، وقتی مؤثر در حرمت است که وقوع آن در حال

ZANN

Zann ve Zann-ı Galib arasındaki fark

ibn Ahsin, C.I, 247

Zann (Tefsiri)
Razi, Tefsir, XXVIII, 300-

Zann
Razi, Tefsir, XXVIII, 134.

Zann (Kelâm)
طهارة الجسم والفؤاد من سوء الظن بالله تعالى
والعبار
عبد الوهاب بن أحمد الشرايبي (v.)
KZ2, II, 89.

12 EYLÜL 1996

Zan

Zann
Razi, Tefsir, XX, 208-

12 EYLÜL 1996

Suyuti, Saunul-Ma'atli, 299-304
328-329

Zann
Razi, Tefsir, II, 207.

Zan (Kelâm)

Seyyid, 36; M. Kur'an, 439-440;
KIF II, 939; Elmalılı, 4471, V, 4197.

2031

12 EYLÜL 1996

3

Zan
الظن

13 EKİM 1993

1329 ZANN
"سوء ظن" . پیام انقلاب ، سال ۴ ، ش ۸۰ (۲۸ اسفند ۱۳۶۱) : ص ۴۹-۵۱ . ش ۸۱ (۱۳ فروردین ۱۳۶۲) : ص ۴۴-۴۵ . ۵۱۰۵۰۰۴۵-۴۴ . ش ۸۲ (۲۷ فروردین ۱۳۶۲) : ص ۶۲-۶۴ . ۶۵۰۶۴-۶۲ .
بحثی از اخلاق پیرامون علاج سوء ظن .

Resit Rıza, Tefsirul-Merâf, C.VIII,
s. 15, 177

تداولية الظن واليقين

بناصر البعزاتي
كلية الآداب، الرباط

(220079) Jakin

(230059) Zan

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

27 Ekim 2015

مقدمة

اهتمَّ جُلُّ المفكرين بقيمتي الصواب والخطأ منذ النهضة الإغريقية القديمة، نظراً للحاجة إلى وضع مقاييس للتمييز بين أصناف الأفكار والمعارف التي وصلتهم من السابقين وانخرطوا في فحصها. غير أن هناك اختلافات في إسناد الصواب والخطأ للأحكام والتصورات نظراً لاختلاف المناخ الثقافي في الزمان والمكان، واختلاف المنطلقات الفكرية حسب المذاهب، واختلاف مستويات الإدراك والتعرّف لدى الأفراد. إنما ساد لدى أغلب المفكرين، قبل القرن العشرين، تصنيف ستاتي للصواب، حيث يُضفى عليه طابعُ اليقين الذي لا يقبل الاعتراض؛ في حين عُدت المعارف العامة التي لا يرد فيها برهان من قبيل الظنّ. لكن برز قلة من المفكرين منذ القدم يطعنون في القيمتين وينفون وجود صواب وخطأ بشكل ما.

وفي هذه الورقة، سنقدّم نظراً يحاول مراجعة التصنيف الصارم هذا، مقترحاً ترتيباً دينامياً مرناً لقيم لا يقبل باليقين الجازم. وسنركّز على مسألة اليقين لأنها تتعلق بالبرهان وبالعلم.

في كل ترتيب للمعارف يوجد جانبان: جانب البناء الاستدلالي وجانب التواصل المعرفي؛ وقد يختلط الأمران معاً، فتنشأ بعض المشاكل النظرية في التمييز بين اليقين والظن أو في الخلط بينهما.



جمهورية مصر العربية
وزارة الأوقاف

المجلس الأعلى للشئون الإسلامية

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	205 L38
Tas. No:	080.2974

سلسلة الموسوعات الإسلامية المتخصصة

(١٠)

موسوعة

العقيدة الإسلامية

إشراف وتقديم

الأستاذ الدكتور / محمود حمدي زقزوق

وزير الأوقاف

القاهرة

١٤٣١ هـ - ٢٠١٠ م

١. د. عبد الرحمن جيرة التومى

الظن

2005
230053

فإن يك عامرٌ قد قال جهلاً
فإن مَظِنَّةَ الجهلِ الشبابُ
ويروى «فإن مطية الجهل الشباب»
لأنه يستوطئه كما تستوطأ المطية،
والتَّظَنُّ: إعمال الظنِّ، وأصله التَّظَنُّنُ
وظننت به الخير فكان عند ظنِّي.
قال النابغة:

وهم ساروا بحجر في خميس
فكانوا يوم ذلك عند ظني
وهو مظنة للخير، وهو من مظانه،
وأنا كظنك إن فعلت كذا. قال امرؤ
القيس:

أبلغ سبيغاً إن عرضت رسالة
أنى كظنك إن عشوت ألامى
وقال المبرد الظنين المتهم وأصله
المظنون، قال الشاعر:
فلا ويمين الله لا عن جناية

هجرت ولكن الظنين ظنين
وقد ورد الظن في القرآن مجملاً
على أربعة أوجه: بمعنى اليقين، وبمعنى
الشك، وبمعنى التهمة، وبمعنى
الحُسابان. فالذى بمعنى اليقين ذكر
الفيروز آبادى أنه في عشرة مواضع منها
﴿يُظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلتَقُوا﴾ (البقرة: ٤٦)، ﴿وظَنَّ أَنَّهُ
الْفِرَاقُ﴾ (القيامة: ٢٨) ﴿إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ
حِسَابِيَّةٍ﴾ (الحاقة: ٢٠)، ﴿وَأَنَا ظَنَنْتُ أَن
لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ﴾ (الجن: ١٢)،

يُقَالُ فِي اللُّغَةِ وَأُظُنُّنْتُهُ الشَّيْءَ:
أَوْهَمْتُهُ إِيَّاهُ. وَأُظُنُّنْتُ بِهِ النَّاسَ: عَرَضْتُهُ
لِلتَّهْمَةِ. وَيُظَنُّ بِتَّهْمٍ، قَالَ ابْنُ سِيرِينَ: مَا
كَانَ عَلَى يُظَنِّ فِي قَتْلِ عَثْمَانَ، وَكَانَ
الَّذِي يُظَنُّ فِي قَتْلِهِ غَيْرُهُ.
وَمَظِنَّةُ الشَّيْءِ: مَوْضِعُهُ وَمَأْلَفُهُ الَّذِي
يُظَنُّ كَوْنَهُ فِيهِ؛ وَالْجَمْعُ الْمَظَانُ.
وَالظَّنِّيُّونَ: الرَّجُلُ السَّيِّءُ الظَّنِّ.
وَالظَّنُونُ: الْبِئْرُ لَا يَدْرَى أَفِيهَا مَاءٌ أَمْ لَا،
وَيُقَالُ الْقَلِيلَةُ الْمَاءِ^(١) وَفِي الشَّعْرِ قَدْ
يُجْعَلُ الظَّنُّ اسْمًا فَيُجْمَعُ كَقَوْلِهِ:
أَتَيْتُكَ عَارِيًا خَلْقًا ثِيَابِي
على دَهَشِ ظُنِّ بِي الظَّنُونُ
وبئس ظنون إذا كانت قليلة الماء،
قال الأعشى:
ما جُعِلَ الجُدُّ الظَّنُونُ الَّذِي
جُنِبَ صَوْبُ اللَّجِيبِ الْمَاطِرِ^(٢)
ورجل ظنون: لا يوثق بخيره
قال زهير:
ألا أبلغ لديك بنى تميم
وقد يأتيك بالخبر الظنون
وقد يوضع الظن موضع العلم، قال
دريد بن الصمّة:
فقلت لهم ظنُّوا بألفى مدجج
سراهم في الفارسي المسرر
أى استيقنوا، وإنما يخوف عدوه
باليقين لا بالشك^(٣).
يقال: موضع كذا مظنة من فلان،
أى معلّم منه. قال النابغة:

Zan

KLM

Alusi, Ruhul-Meani, II, 40

DIA Ktp 297-211

ALU-R

ZANN

- Haramlığı

Nevevi, Serhi'l-Mu'lim c.16-s.118

Zan,

KLM

Alusi, Ruhul-Meani, XI, 116

DIA Ktp 297-211 - ALU-R

ZANN

- Hüsnü zann

Nevevi, Serhi'l-Mu'lim c.17-s.11,209

Zan,

KLM

Alusi, Ruhul-Meani, XXVI, 156

DIA Ktp. 297-211 ALU-R

"ZAN"

AHCİK

el-Ayni, "Umdetul-Kari...", c. XVIII, s. 179-180

Zan

KLM

Alusi, Ruhul-Meani, IV, 94

DIA Ktp. 297-211

ALU-R

Zan (zann) (manası ve tanrı)

ابو ابراهيم سليمان - امانة في الصدور

s.7.

Bâci, Ebül-Velid Süleyman posetinde.

ZANN

Allahın haram kuldifini Zanni ile helal sayan kişi kafir olmay.

İbn Abidin, c. IV- s. 24

Zan

Dirāse fī Mesakili'l- Ahlakiyye, 27-51

Di. Baş: 3849

سلیمانی، محمدرضا

۵۹۳۳- حجیت ظن، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه: تهران، دانشکده الهیات، ۱۶۳ص، فارسی، منابع: ۱۶۰-۱۶۳ و به صورت زیرنویس، استاد راهنما: عابدین مؤمنی؛ استاد مشاور: علی مظهر قراملکی.

کد پارسا: P۱۳۴۸۰

2008

حجیت ظن

بررسی اعتبار انواع ظنون در فقه اسلامی و کاربردهای آن است. نویسنده می‌کوشد ضمن معرفی انواع ظنون، میزان حجیت شرعی و فقهی هر یک از آنها را با توجه به ادله اربعه بررسی کند. وی به اصل اولی در عدم حجیت ظن و حجیت داشتن آن طبق امارات عقلی و نقلی اشاره دارد و دلایلی از قرآن و سنت و عقل و اجماع مبنی بر حجیت داشتن ظنون معتبر و محفوف به قراین ارائه می‌دهد. حجیت خیر واحدی که با قراین و شواهدی مبنی بر صدور از شارع باشد، مهم‌ترین بحث نویسنده است. وی ادله حجیت خیر واحد را از نظر فقهای اسلامی بررسی کرده و معتقد است که امارات معتبر که ظن را به یقین نزدیک می‌کنند در فقه حجت هستند و عمل به آنها بر طبق احکام ظاهری مکفی می‌باشد.

حیدری، اصغر

۲۰۷- شناخت و درمان سوء ظن، قم: نسیم کوثر، چاپ اول، ۱۳۸۳ / ۱۰۰۰ نسخه، ۲۲۴ص، فارسی، وزیری (شمیز)، بها: ۱۲۰۰۰ ریال، منابع: ۲۱۷-۲۲۴.

شابک: ۹۶۴-۸۴۸۷-۲۵-۱

کد پارسا: B۴۸۵۱۲

سوء ظن

20 HAZ 2008

Jan

مطالعه‌ای در مورد عوامل بیماری بدگمانی و راه‌های درمان آن است. نویسنده در چهار فصل تلاش کرده با تعریف و شناخت اقسام بدگمانی به عنوان یک بیماری، به مطالعه قرآن و روایات بپردازد و از لایه‌لایه داستان‌های قرآن، مصادیق سوء ظن به خدا و سوء ظن به مردم و سوء ظن به خود را شناسایی کند و مورد درمان قرار دهد. وی درمان سوء ظن و راهکارهای آن را نیز در آیات و روایات جست‌وجو کرده است. در ضمیمه کتاب از سفارش‌های پیامبران در تبلیغ دین و مواجهه با انسانهای بدگمان و بهانه‌جو بحث شده و سیره آنها بیان گردیده است.

۶۶۸۹- ترجمه، متن و شرح کامل

رسائل شیخ انصاری به روش پرسش

و پاسخ: کتاب الظن: المقصد الثانی.

گزیده جمشید سمیعی، جلد سوم، اصفهان: خاتم

الانبیاء(ص)، چاپ اول، ۱۳۸۲ / ۱۰۰۰ نسخه، ۲۳۲ص،

عربی و فارسی، وزیری (شمیز)، بها: ۱۶۰۰۰ ریال.

شابک: ۸-۸۳۷۸-۸۳۶۴-۳

۲-۸۳۷۸-۹۶۴ دوره

کنگره: BP۱۵۹/A۸۴۴۰۴۲۲۵

دیوبی: ۲۹۷/۳۱۲

کد پارسا: B۶۶۹۱۰

عنوان متن شرح شده:

الرسائل

شرح فرائد الاصول

ترجمه و شرح باب الظن از کتاب فرائد الاصول شیخ انصاری است. کتاب فرائد الاصول که به رسائل مشهور است، دارای سه باب یا کتاب قطع، ظن و شک است. در این جلد، شرح مقصد دوم باب ظن آمده است. شارح ابتدا متن را آورده و سپس آن را به فارسی ترجمه کرده و در مرحله آخر به صورت پرسش و پاسخ، به شرح متن پرداخته است. شارح کوشیده است تمام عبارات و مفاهیم متن را به صورت پرسش مطرح کند و پاسخ آن را گاه به تفصیل و گاه به صورت مختصر ارائه دهد.

الظن الحسن

Jan

الهادی الی موضوعات نهج البلاغة ۳۴۴

344

24 JUL 2008

Jan

- shk

- Wul- F. h. h

حسن الظن

28 HAZIRAN 1995

الهادی الی موضوعات نهج البلاغة ۲۰۴

204

وهو رسائل

أستاذ الفقهاء والمجاهدين

الشيخ مرضي الأنصاري

(١٢١٤ - ١٢٨١ هـ)

2ar (69-205)

09 OCAK 1996

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Emirbaş No:	124557-1
Klasifikasyon No:	297.501 MÜR.F

الجزء الأول

منشورات
مؤسسة الأعلی للطبوعات
بيروت - لبنان
ص.ب. ٧١٢٠
١٩٩١-١٤١١

المقصد الثاني : الظن

المقصد الثاني

في الظن

والكلام فيه يقع في مقامين :

أحدهما : في إمكان التعبد به عقلاً .

والثاني : في وقوعه عقلاً أو شرعاً .

المقام الأول : إمكان التعبد بالظن عقلاً :

أما الأول : فاعلم أن المعروف هو إمكانه . ويظهر من الدليل المحكي عن ابن قبة ، في استحالة العمل بالخبر الواحد ، عموم المنع لمطلق الظن ، فإنه استدلل على مذهبه بوجهين : «الأول : أنه لو جاز التعبد بخبر الواحد في الإخبار عن النبي ﷺ ، لجاز التعبد به في الإخبار عن الله تعالى ، والتالي باطل إجماعاً . الثاني : أن العمل به موجب لتحليل الحرام وتحريم الحلال ، إذ لا يؤمن أن يكون ما أخبر بحليته حراماً وبالعكس» .

وهذا الوجه - كما ترى - جارٍ في مطلق الظن ، بل في مطلق الأمانة الغير العلمية وإن لم يفد الظن .

واستدل المشهور على الإمكان : بأننا نقطع بأنه لا يلزم من التعبد به محال .

الآداب الشرعية

والمِنَح المَرعِيَّة

تأليف
شمس الدين أبي عبد الله محمد بن مفلح المقدسي الحنبلي
تغمده الله برحمته وأسكنه فسيح جناته

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi Fürlüphanesi	
Kayıt No. :	10148-1
Tasnif No. :	297.8 mlf-A

الجزء الأول

الناشر

مؤسسة قرطبة

ت ٨٦٢١٥١ - القاهرة

فصل

(في حسن الظن بأهل الدين)

قال في نهاية المبتدئين حسن الظن بأهل الدين حسن ، ظاهر هذا أنه لا يجب ، وظاهره أيضا أن حسن الظن بأهل الشر ليس بحسن ، فظاهره لا يجرم ، وظاهر قوله عليه السلام « إياكم والظن فإن الظن أكذب الحديث » أن استمراء ظن السوء وتحقيقه لا يجوز ، وأوله بعض العلماء على الحكم في الشرع بظن مجرد بلا دليل وليس بمتجه ، وروى الترمذي عن سفيان : الظن الذي يأثم به ما تكلم به ، فإن لم يتكلم لم يأثم . وذكر ابن الجوزي قول سفيان هذا عن المفسرين ، ثم قال وذبح بعضهم إلى أنه يأثم بنفس الظن ولو لم ينطق به ، وذكر قبل ذلك قول القاضي أبي يعلى إن الظن منه محذور وهو سوء الظن بالله والواجب حسن الظن بالله عز وجل ، وكذلك سوء الظن بالمسلم الذي ظاهره العدالة محذور ، وظن مأمور به كشهادة العدل وتحري القبله وتمويم المتلفات ، وأرش الجنائيات ، والظن المباح كمن شك في صلته إن شاء عمل بظنه وإن شاء باليقين ، وروى أبو هريرة مرفوعا « إذا ظننتم فلا تحققوا » وهذا من الظن الذي يعرض في قلب الإنسان في أخيه فيما يوجب الريبة فلا ينبغي أن يحققه والظن المنسوب إليه إحسان الظن بالأخ المسلم ، فأما ما روي في حديث « احترسوا من الناس بسوء الظن » فالمراد الإحتراس بحفظ المال مثل أن يقول إن تركت بابي مفتوحا خشيت السراق انتهى كلام القاضي .

وذكر البغوي أن المراد بالآية سوء الظن ثم ذكر قول سفيان ، وذكر القزطبي ما ذكره المهدوي عن أكثر العلماء أن ظن القبيح بمن ظاهره الخير لا يجوز وأنه لا حرج بظن القبيح بمن ظاهره قبيح ، وقال ابن هبيرة الوزير الحنبلي لا يحل والله أن يحسن الظن بمن ترفض ولا بمن يخالف الشرع في حال ، وقال البخاري في صحيحه (باب ما يكون من الظن) ثم روي عن

فصل

(في السعة في الكلام وألفاظ الناس)

قال الخلال في السعة في الكلام وألفاظ الناس ، قال المروزي بعث أبي أبو عبد الله في حاجة وقال كل شيء تقوله على لساني فأنا قلته . وقال الميموني إن أبا عبد الله دقت عليه إمرة دقا فيه بعض العتف فخرج وهو يقول ذا دق الشرط .

وقال المروزي إن أبا عبد الله قيل له حفص وابن أبي زائدة ووكيع ؟ قال ووكيع أطيب هؤلاء ، قال الأثرم سمعت أبا عبد الله وذكر عبد الله ابن رجاء وأبا سعيد مولى بني هاشم فقال ولكن أبو سعيد كان أيقظهما عينا وقال مهنا سألت أحمد عن إسماعيل بن زكريا قال ليس به بأس إلا أنه ليس له حلاوة ، وقال سألت أحمد عن حديث فقال : ما خلق الله من ذا شيئا وقال الخلال سألت إبراهيم الحربي قلت لم تقول العرب للشيخ يا غلام ؟ قال ليس العرب كلها تقوله ، قيس تقوله ؟ قلت فيجوز أن يقول للشيخ يا بني ؟ قال نعم يعني لا بأس به ، ثم قال أليس قد قال النبي ﷺ للمغيرة « يا بني » ؟ والمغيرة كان شيخنا كبيرا لعله كان أكبر من النبي ﷺ وقد قال لأنس « يا بني » إنما قال « يا بني » أي أنت ابن .

Tarandı
A-7/1

مجموعه

الرسائل

للحافظ أبي بكر عبد الله بن محمد
المعروف بابن أبي الدنيا
(مؤدب أولاد الخلفاء)

المؤلف سنة ثمان ومائتين

المستوفى في جمادى الأولى سنة احدى ومائتين ومائتين

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	Depolama No: 27336
İsmit No: DÜN.R	297.9

تشمّل على كتب التوكل على الله والحلم
وحسن الظن بالله تعالى
وقضاء الحاجج والأولياء

دار النشر دولة الإسلام

مكتبة الكليات الأزهرية

١٩٨٨ - ١٩٨٧

القاهرة

كتاب

حسن الظن بالله تعالى

لابن أبي الدنيا

للقوم اعجزتم أن تكونوا مثل هذا؟ هذا والله السيد، قال الأحنف فما زلت بعد
اسمعها من الناس هذا والله السيد».

(١٠١) حدثنا عبد الله بن محمد بن حفص القرشي نا ذر بن مجاشع عن
غالب القطان عن مالك بن دينار عن الأحنف بن قيس قال: (قال عمر بن
الخطاب من كثر ضحكته قلت هيئته، ومن مزح استخف به، ومن أكثر من شيء
عرف به، ومن كثر كلامه كثر سقطه، ومن كثر سقطه قل حياؤه ومن قل حياؤه قل
ورعه ومن قل ورعه قل خيره ومن كثر أكله لم يجد لذكر الله لذة ومن كثر نومه لم يجد
في عمره بركة، ومن كثر كلامه في الناس سقط حقه عند الله وخرج من الدنيا على
غير الاستقامة والعياذ بالله تعالى».

المهم أمتنا على كلمة التوحيد وإخواننا المؤمنين.

بحمد الله تم كتاب الحلم لابن أبي الدنيا

ويليه كتاب حسن الظن بالله تعالى له أيضاً.

الحد عند أرسطو، إذ أنه عند أرسطو القول الدال على ماهية الشيء، ولقد رأى أرسطو أن القائمين بالصفة في الحد لا يوفون بتحديد معنى الحد (١).

ZAN (KLM)

الدكتور عماد عبد الفتاح الغزالي

ثالثاً : العلم والظن

الظن معناه ترجيح أحد ممكنين متقابلين في النفس على الآخر (٢) ويتعرض الماتريدي للظن وبيان دوره، ففي شرحه لقوله تعالى : « إن ظننت أني ملاق حسابه » (الحاقة ٢٠) - يرى أن كل يقين حدث في الأمور المستترة والعلوم الخفية، قائماً بتولد عن ظن يسبقه، فيحمله ذلك الظن على النظر فيه والبحث عن حاله، حتى يفضي إلى الوقوف على ما استتر منه وبصير الخفي له جلياً. فيكون سبب بلوغه إلى اليقين. ويرى الماتريدي أن انظان في الأمور التي تدرك بالاجتهاد لأنه لا يخلو شيء منها من اعتراض وساوس وخواطر فيها. وتلك الوسوس والخواطر تفضي بصاحبها إلى الظنون. أما الأشياء التي تدرك بالحواس والمشاهدات فلا سبيل إلى الظن فيها (٣).

ويلاحظ على رأي الماتريدي، أن الظن داعي إلى النظر والتأمل فيما خفي، حتى نصل إلى اليقين. وهذا يعني أن الظن دافع إلى العلم، وهو يوقظ الشعور والفكر لطاب العلم. وهذا ما رآه أفلاطون من قبل (٤).

والظن بذلك له دور إيجابي، وهو يماثل مرحلة فرض الفروض في المنهج العلمي، وهو أيضاً حالة بين المعرفة والجهل أو هو الوقوف على أحد طرفي اليقين. فهو ليس بضد للعلم على الإطلاق، بل إن بينه وبين العلم تشارك وتباين كما ذهب أرسطو وابن سينا (٥).

إهداء أهل السنة والجماعة
أبو منصور الماتريدي
وأراه الكلاسيكية

رسالة دكتوراة بعربية الشرف الأولى
كلية الآداب - جامعة القاهرة

7338

922.974

MAN

مكتبة وهبة
14 شارع الجمهورية - عابدين
تليفون ٩٣٧٤٧٠

مكتبة
شارع
تليفون

- (١) أرسطو: المنطق ج ٢ ٤٧٤ (٢) الأمدى: أوهكار الافكار ٩
- (٣) الماتريدي: تأويلات أهل السنة ج ٢ ١١٤، ١١٥
- (٤) أفلاطون: الجمهورية ترجمة د. فزاد زكريا ٣٨٤ - ٢٩٠
- (٥) أرسطو: المنطق ج ٢ ٤٠٣، ٤٠٥ وابن سينا البرهان ١٨٩ - ١٩١

فاطمة عباس عبدالرحمن مها أحمد علام, دليل الرسائل الماجستير و
الدكتوراه التي نوقشت في كلية دار العلوم منذ عام 1985 و حتى نهاية
فبراير 1997, القاهرة 1418 - 1999: (جامعة القاهرة) . ISAM KTP 88569

٢٥ JUILLET 2005

[٤٩١] صالح محمد أمين درويش
حجية الظن عند الأصوليين ؛ إشراف محمد بلتاجي حسن ،
١٩٨٢ . - ٤١٣ ورقة . - ماجستير
٢٧٦

١٥٢ و ٤٧٩؛ رابع ص
١٠٥
ط - ح ٢٦٩
* ذُو الْوَجْهَيْنِ -
بخ - ك ٧٨ ب ٥٢؛ ك ٩٣ ب ٢٧
مس - ك ٤٥ ح ٩٨ - ١٠٠
بد - ك ٤٠ ب ٢٤
تر - ك ٢٥ ب ٧٨
مى - ك ٢٠ ب ٥١
ما - ك ٥٦ ح ٢١
حم - ثان ص ٢٤٥ و ٢٨٩ و ٣٠٧
٢٣٦ و ٢٣٥ و ٤٥٥ و ٤٦٥
٤٩٥ و ٥١٧ و ٥٢٤
ط - ح ٦٤٤
* مَلِكُ النَّفْسِ عِنْدَ الْغَضَبِ -
بخ - ك ٧٨ ب ٥٣
مس - ك ٤٥ ح ١٠٦ - ١٠٨
بد - ك ٤٠ ب ٣
ميج - ك ٣٧ ب ١٨
ما - ك ٤٧ ح ١٢
حم - ثان ص ٢٣٦ و ٢٦٨ و ٣٦٢
٥١٧؛ ثالث ص ٤٣٨
و ٤٤٠
ط - ح ٢٥٢٥
* مَا جَاءَ فِي الْيَرَاءِ -
تر - ك ٢٥ ب ٥٨
* سَتْرُ الْمُؤْمِنِ عَلَى نَفْسِهِ -
بخ - ك ٧٨ ب ٦٠
ط - ك ٢٢٠٦
* لَا يُضْرَبُ حَصَمَةٌ عَلَى وَجْهِهِ -

تر - ك ٢٥ ب ١٥
حم - ثان ص ٢٢٢ و ٢٠٧ و ١٨٥
* أَنْزَلُوا النَّاسَ مَنَازِلَهُمْ -
بد - ك ٤٠ ب ٢٠
* النَّهْيُ عَنِ الْعُلُوِّ فِي الثَّنَاءِ -
انظر : الثَّنَاءُ الْمُدْحِجُ HASEET
* النَّهْيُ عَنِ التَّكَاثُرِ وَالتَّحَاكُمِ -
بخ - ك ٧٨ ب ٥٧ و ٥٨
مس - ك ٤٥ ب ٢٣ و ٢٤ و ٢٨
- ٣٢ و ٧٠
بد - ك ٤٠ ب ٤٤ و ٤٧
تر - ك ٢٥ ب ٢٣ - ٢٥ ؛
ك ٣٥ ب ٥٦
ميج - ك ٣٧ ب ٢٢
ما - ك ٤٧ ح ١٤ - ١٧ ق
حم - أول ص ٤٠٥؛ ثان ص ١٧٦
و ٢٢٢ ق ٢٣٠ و ٢٧٧ و ٢٨٧
و ٢٨٨ و ٣٠٣ و ٣١٢ و ٣٤١
و ٣٦٠ و ٣٨٩ و ٣٩٣ و ٣٩٤
و ٤٤٦ و ٤٦٥ و ٤٦٩ و ٤٧٠
و ٤٨٠ و ٤٩١ و ٥٠١ و ٥١٢
و ٥١٧ و ٥٢٩؛ ثالث ص
١١٠ و ١٦٥ و ١٩٩ و ٢٠٩
و ٢٢٥ و ٢٧٧ و ٤٨٣؛ رابع
ص ٢٢٧
ط - ح ١٩٣ و ٢٠٩ و ٢٥٣
* لِحَاكِمَةِ إِلَّا فِي أُمَّتَيْنِ -
بخ - ك ٣ ب ١٥؛ ك ٢٤ ب ٥
حم - أول ص ٣٨٥ و ٤٣٢؛ ثان
ص ٨ و ٣٦ و ١٣٣

* لَا يَنْتَمِعُ عَوْرَةَ أَخِيهِ -
بد - ك ٤٠ ب ٢٧
تر - ك ٢٥ ب ٨٥
مى - ك ١٩ ب ٣
حم - رابع ص ٤٢٤
* لَا يَسْتَرْقِي النَّظَرَ فِي دَارِ أَخِيهِ
انظر : الْعَقْلُ
* إِنْ لَمْ يَكُنْ يُؤْتَى الرَّفْقَ فِي الْأَمْرِ
كَلَّةٌ -
بخ - ك ٧٨ ب ٢٥
تر - ك ٤٠ ب ١٢ ق
ما - ك ٤٧ ح ١ و ٦ - ٨
* مَا جَاءَ فِي الرَّفْقِ -
تر - ك ٢٥ ب ٦٧
مى - ك ٢٠ ب ٧٥
* حُسْنُ الظَّنِّ - ZAN
بد - ك ٤٠ ب ٨١
حم - ثان ص ٣٠٤
* الرَّحْمَةُ - BAHMET
تر - ك ٢٥ ب ١٦
حم - ثان ص ٢٤١ و ٢٦٩ و ٤٤٢
و ٤٦١ و ٥١٤ و ٥٣٩؛ ثالث
ص ٤٠؛ رابع ص ٣٥٨ -
٢٢٦
ط - ح ٢٣٥ و ٢٦١ و ٦٦٢
* الْأَنَاءَةُ وَالْحَامُومُ - Hilim
تر - ك ٢٥ ب ٦٦
حم - ثالث ص ٢٣
* عِرْفَانُ حَقِّ الْكَبِيرِ -

→
IYMSERLIK
ZAN
BAHMET
Hilim

RIYA

WENSINCK AREN JEAN, MIFTAHU KUNUZU'S-SUNNE.
Trc: ABDÜLBAKİ MUHAMMED FUAD, BEYRUT 1983. ss. 28 DIA DM NO: 04160.
KISALTMALAR:
بخ= صحيح البخاري، مس= صحيح مسلم، بد= سنن أبي داود، تر= سنن الترمذي، نس= سنن النسائي، ميج= سنن ابن ماجه، مى= سنن
الدارمي، ما= موطأ مالك، ز= مسند زيد بن علي، عد= طبقات ابن سعد، حم= مسند احمد بن حنبل، ط= مسند الطيالسي، هش= سيرة ابن
هشام، قد= مغازي الواقدي

إنها صفة بنت حبي، فقالا: سبحان الله، قال: إن الشيطان يجري من ابن آدم مجرى الدم، وإني خشيت أن يقذف في قلوبكما شرًا^(١).

٤ - العمل بالظن:

أ - لا يجوز العمل بالظن مع القدرة على التيقن، أما إن لم يقدر على العلم جاز له أن يعمل بالظن، وعلى هذا فإن من نسي أن يصلي فريضة من الفرائض الخمس، ونسي ما هي هذه الفريضة، يقضي الفرائض الخمس، لأنها ستكون واحدة منها يقيناً، ولا يجوز له أن يتحرى ثم يقضي الصلاة التي تحراها، لأنه لو فعل ذلك لعمل بالظن مع قدرته على اليقين.

ب - لا عبرة بالظن البين خطؤه: الظن البين خطؤه يلغى، ويجعل كأن لم يكن، سواء أكان الخطأ ظاهراً في الحال، أو خفياً ثم ظهر بعد ذلك، وعلى هذا فإن الرجل لو تكلم بكلمة ظنتها الزوجة كفرًا، فقالت لزوجها: لقد حرمت عليك، ثم ظهر أنها ليست بكفر، فإنها لا تحرم. ولو ظن أن لشخص عليه ديناً، فوفاه إياه، ثم تبين أنه لا شيء له عنده، فله أن يسترد ما دفعه إليه. ولو أتلف مال غيره وهو يظنه ماله، ثم تبين أنه ليس بماله، وجب عليه ضمانه. ولو رأى القائد العسكري جماعةً فظنها جنودٌ عدوٌّ يترصد بهم، فصلى بجنوده صلاة الخوف، فظهر له أنهم كومة قش، وجبت عليه إعادة الصلاة. ولو دفع زكاة ماله إلى من يظنه فقيراً، فظهر أنه غني، وجب عليه دفعها ثانية لفقير مستحق.

ج - العمل بالظن للحاجة: إذا دعت الحاجة إلى ترك اليقين والعمل بالظن جاز العمل به، فالزرع الذي تجب فيه الزكاة يقدر بالكيل - أي: بالوسق - فإن تعذر تقديره بالكيل قدر بالخرص، والخرص تقدير بالظن، والكيل تقدير باليقين، فعدل عن اليقين إلى الظن للحاجة.

د - غلبة الظن كاليقين: إذا غلب ظنه على شيء وجب العمل به كما لو تيقنه، وعلى هذا فإنه يكفي في تقرير الأحكام غلبة الظن، وعلى هذا فإنه إن غلب على ظنه أن السلطان لا يوصل الزكاة التي يجمعها إلى مستحقيها، لم يجز دفعها إليه، وإن اختلطت آتية نجسة وأخرى طاهرة، تحرى، وغلب ظنه أن هذا الإناء هو الإناء الطاهر، وتوضأ منه.

ظَنُّ:

١ - تعريف: الظن هو الاعتقاد الراجح مع احتمال النقيض.

٢ - الظن بالله تعالى: يجب على المسلم أن يحسن الظن بالله تعالى، فقد جاء في الحديث عن رسول الله ﷺ (حسن الظن من حسن العبادة)^(١) فإذا أحسن المؤمن ظنه بالله تعالى نفعه ظنه به يوم القيامة، قال الله تعالى في الحديث القدسي (أنا عند ظن عبدي بي)^(٢).

وسوء الظن بالله تعالى من سمات المنافقين والمشركين، قال تعالى في سورة الفتح ٦ ﴿وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمَاتِ بِاللَّهِ ظَنُّ السُّوءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ وَعَصِيبٌ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ وهو مرداة للإنسان، كما قال تعالى في سورة فصلت/ ٢٣ ﴿وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرَأَيْتُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾.

٣ - الظن بالمسلم:

أ - تعريفه: سوء الظن بالمسلم هو أن تحمل حال المسلم على وجه فاسد من غير دليل، مع إمكان حمله على وجه خير.

ب - حكمه: يجب ترك إساءة الظن بالمسلم، لأن سوء الظن غيبة بالقلب، قال تعالى في سورة الحجرات/ ١٢ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِتْرٌ﴾.

وعلى المرء أن يدفع عن نفسه سوء الظن، فلا يقف مواقف التهم، فعن صفة زوج النبي ﷺ قالت: (كان النبي معتكفاً فأتيته أزوره ليلاً، فحدثته ثم قمت أنقلب، فقام معي ليقبلني - وكان مسكناً في دار أسامة بن زيد - فمرَّ رجلان من الأنصار، فلما رأيا النبي أسرعاً، فقال النبي ﷺ: على رسلكما،

(١) أبو داود في الأدب باب حسن الظن، والترمذي في الدعوات باب ١٤٦.

(٢) البخاري في التوحيد باب قوله تعالى ﴿رُبُّدُرِّكَ أَنْ يَسْتَدْرِكَكُمْ اللَّهُ﴾، ومسلم في الذكر والدعاء باب فضل الذكر والدعاء والتقرب إلى الله.

(١) البخاري في الاعتكاف باب زيارة المرأة زوجها في اعتكافه، ومسلم في السلام باب يستحب لمن رثي خالياً بامرأة أن يقول: هذه فلانة.

* الظن وفضائه في قواعد علوم الحديث الشريف

د. محمود أحمد الزين*

التعريف بالبحث

يتكرر في الكتب الإسلامية أن حديث الأحاد «ظني الثبوت»، ولأجل ذلك قال المحدثون: إنه إذا خالف صريح العقل فهو موضوع، واشتهت فكرة «الظن» على بعض الفئات قديماً وحديثاً، فرفضوا الحديث كله بزعم أنه موضع شبهة، وأن في القرآن عنه غيبة، كما اشتبهت فكرة رد الحديث المعارض لصريح العقل على آخرين، فرفضوا منه ما خالف آراءهم النظرية.

وجاء في عصرنا من يرفضه إذا خالف أي شيء من معلوماته ولو أوهاماً، وأزعجت هذه الأقوال آخرين فزعموا أنه قطعي الثبوت دائماً.

وبين هذه الفئات توسط جمهور العلماء فقالوا: إنه راجح الثبوت، غير قاطع حتى يتواتر، أو تحف به قرائن تجعله قاطعاً، واختلفوا في هذا الخفوف بالقرائن، والحال يقتضي توضيح حقائق الموضوع وأدلتها، لدفع الشبهات، وتقديم أرجح الأقوال، وتيسير ذلك قدر الإمكان بإيجاز، وهو ما حاولت تقديمه مستعيناً بالله تعالى.

* باحث أول في دار البحوث للدراسات الإسلامية وإحياء التراث بدبي، ولد في مدينة حلب في سورية عام (1372هـ-1953م)، وحصل على درجة الماجستير في البلاغة والنقد من كلية اللغة العربية بجامعة الأزهر عام (1986م)، وكانت رسالته «شرح الشواهد القرآنية في كتاب الإيضاح للخطيب القزويني»، وعلى درجة الدكتوراه كذلك عام (1993م) وكانت رسالته «المباحث البلاغية في تفسير الطبري، قسم المعاني»، وله عدد من الكتب المنشورة.

[Ana Sayfa](#)
[Site Haritası](#)
[Biz](#)

ARAMA:

Dergi içeriğinde

[Editörden](#)
[Yayın Kurulu](#)
[İçerik](#)
[Katılım Şartları](#)
[Önceki Sayılar](#)
[İletişim](#)
[Makale Takip](#)

Engli

EDİTÖRDEN**İÇERİK** (Cilt: VII Sayı: 2) ... Nisan / Mayıs / Haziran 2007

05 AĞU 2008

MAKALE	YAZAR	SA
Ön Kapak		
Editörden		
Kapak ve İçindekiler		
Fert ve Toplumun Yetim ve Öksüzlere Karşı Sorumlulukları	Yetim » Cemal Ağırman	9-30
Sû-i Zanla İlgili Hadîs Üzerine Bir İnceleme	230039 Zan » Adem Dölek	31-70
İbnü'l-Arabî'de İnsan Psikolojisine Yaklaşımlar ve Kişilik Çözümlenmeleri	İbnü'l-Arabî » M. Doğan Karacoşkun	71-107
Tavla İle İlgili Rivayetlerin Değerlendirilmesi	Kumar » Harun Reşit Demirel	109-131
Kur'ân ve Kitâb-ı Mukaddes'e Göre Yûnus Kıssası	Kitab-ı Mukaddes » Kadir Polater	133-161
Hikmetli Sözler ve Manastırlı Mehmed Rifat Efendi'nin Hikmet Hazinesi Adlı Eseri	Mehmed Rifat Manastırlı » Cüneyt Eren / Halit Erboğa	163-170
Oryentalist Düşüncede Hz. Peygamber'i Tanımlama Paradoksu Veya Oryentalist Tarafsızlar	Oryentalizm = Hz. Muhammed » Şaban Öz	171-184
Fuzulî'nin Türkçe Divanı'nda Naat Türü ve İşlenişi	Fuzulî » Meheddin İspir	185-215
İbadetlerde Niyabet Problemi Üzerine Bir İnceleme	İbadet - Niyet » Mehmet Erdem	217-233
Keysâniyye'ye Özel Referansla İslam Kaynaklarında Gulât Teriminin Gelişimi	İbnü'l-Kayserani - Gulât. » Vedad El-Kadî Çev.: Yusuf Benli	241-276
Amerikan Edebiyat Bilimi	A.B.D. » René Wellek Çev.: Sıddık Yüksel	277-292
Monolog Çağından Global Diyalog Çağına	Küreselleşme » Leonard Swidler Çev.: Mustafa Şengün	293-305

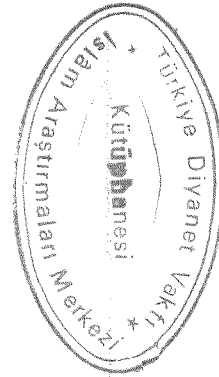
Copyright © 2007 www.dinbilimleri.com

ZUM VORRANG DES GLAUBENS UND DES GUTEN
DENKENS VOR DEM WAHRHEITSEIFER
BEI DEN MUSLIMEN

von

Fritz Meier

Basel



„Gutes denken“ ist ein sehr weiter und unklarer begriff, der nur besagt, dass man von jemand oder von etwas gut oder gutes denkt. Man kann dies aus seiner individuellen natur oder aus einer bestimmten absicht tun. Man kann sich damit etwas einreden, sei es um sich zu beruhigen oder andern nicht weh zu tun, sei es aus prinzip oder für den augenblick. Es gilt in jedem fall als eine tugend und gibt nicht selten den anstoss auch zu gutem handeln. Seine kehrseite ist die subjektivität, die der eigenen blindheit und falscher hoffnung viel spielraum lässt und bis zum selbstbetrug und zur verdrehung der gefühle, ja auch zur vortäuschung falscher gefühle gehen kann. Das gute denken kann wohl auch dem zweifel an der richtigkeit einer vorgefassten meinung seiner selber oder anderer entspringen und die grundlage schaffen für eine objektive würdigung oder untersuchung der verhältnisse, und es kann umgekehrt dazu führen, die wahrheit zu verbrämen oder zu vertuschen, und damit unrichtigen vorstellungen und schiefen anschauungen vorschub leisten. Das bewusste verschweigen eines teils der wahrheit kann ein zeichen der pietät, aber auch ein ausdruck der angst, auch der angst vor der meinung der masse sein und der aufrechterhaltung des friedens ebenso wie der wahrung der eigenen sicherheit dienen. Der „glaube“ im sinne des vertrauens schliesst sich hier an. Man würde mich jedoch missverstehen, wenn man aus dem titel dieser skizze schliessen wollte, ich hielte den vorrang des glaubens und des guten denkens vor der wahrheitssuche für ein besonderes merkmale, hinter dem andere rangordnungen ein für allemal zurückträten oder gar verschwinden. Keineswegs! Aber hier möchte ich nun gerade einmal der im titel angegebenen einstellung gewisser muslimen etwas nachgehen und an einigen beispielen und belegen aus der literatur die hauptformen dieser erscheinung etwas beleuchten. Die literatur ist natürlich voll von nachrichten darüber. Ich hole nur einige wenige stichproben heraus und behandle der reihe nach 1) das gute denken von Gott, 2) das gute denken von Mohammed, 3) das gute denken von aliden und profetengenossen, 4) das gute denken über eingewurzelte

religiöse vorstellungen und bräuche, 5) das gute denken von natürlichen und religiösen autoritäten, 6) das gute denken vom şūfischen erzieher, 7) das gute denken der menschen voneinander in der gesellschaft, und anhangsweise noch 8) das gute (und schlechte oder böse) denken als magische kraft.

Das gute denken heisst arabisch *ḥusn az-zann*, *iḥsān az-zann*, seltener *taḥsīn az-zann*. Persisch kann man dafür sagen *gumānī nīk burdān ba-kasī*¹ „gut denken von jemand“. Für ein weniger berechnendes, weniger vom wollen gestütztes, überzeugteres, spontaneres glauben an jemand oder an etwas stellt die arabische sprache *ḥusn al-i'tiqād*, oder auch einfach *i'tiqād*, zur verfügung, und dieses *i'tiqād* gibt es auch im persischen.

1. Hoffnung auf gnade vor recht und trost im glauben an die höhere weisheit

Der absolute „einheitsglaube“ (*tawḥīd*), zu dem sich die aʿaristische theologie mit ihren verbotten und weitgehend auch die şūfik bekennt, stellt den menschen in sklavische abhängigkeit von Gott: die handlungen des menschen verbergen in sich ein tun Gottes, da dem menschen ohne Gottes schaffen die hände gebunden sind und jede bewegung in dieser welt vom ersten beweger ausgeht. Trotzdem ertönen auch stimmen, die von einer bewegung aufwärts und von einer reaktion Gottes abwärts auf das tun und leiden des menschen sprechen. Eine davon ist der nichtkoranische gottesspruch (*ḥadīṭ qudsī*): ‚Ich (Gott) bin so, wie mein knecht von mir denkt‘, manchmal mit zusätzen wie: ‚Ich bin mit ihm, wenn er sich meiner erinnert. Erinnert er sich meiner in einer öffentlichkeit, so erinnere ich mich seiner in einer noch besseren öffentlichkeit. Nähert er sich mir eine spanne, so nähere ich mich ihm die spannweite zweier ausgestreckter arme. Kommt er im schritt zu mir, so komme ich im laufschrift zu ihm‘. Diese fassung steht zum beispiel im buch *tawḥīd 15* von Buḥārīs *Ṣaḥīḥ*². Gott zeigt sich dem menschen also immer von der seite, die der mensch in der vorstellung von ihm ins auge fasst, und zwar um ein vielfaches wirksamer als in der vorstellung. Der *ḥadīṭ* in der angeführten fassung nennt nur angenehme erwartungen. In andern abwandlungen wird aber auch die unangenehme seite nicht vergessen: ‚Ich bin so, wie mein knecht von mir denkt. Denkt er gutes, dann gut. Denkt er schlechtes (oder böses), dann schlecht (oder böses)‘. Oder: ‚Denkt er gutes, so erhält er es.

¹ Die beiden ī am schluss sind ī der unbestimmtheit, also alte ē.

² Stellen in *Concordance et Indices de la Tradition musulmane*, s.v. *zanna*, bd 4,87. Munāwī: *Al-iḥāfāt as-saniyya bi-l-aḥādīṭ al-qudsiyya*, ed. Muḥ. ʿAfīf az-Zīʿbī, Beirut-Himş o.j. 37-39. Der oben zuletzt genannte satz gilt wegen seiner starken vermenschlichung Gottes bei den ḥanbaliten als unerklärbar, aber als unbedingt zu glauben. Ibn Abī Yaʿlā: *Ṭabaqāt al-ḥanābila*, nachdruck Beirut, 2,23.

ISAM: D01954

استعمال لفظتي (الشك، والريب) في القرآن الكريم

دراسة بلاغية

المقدمة:

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على خاتم النبيين، محمد ابن عبد الله سيد المرسلين، وعلى آله وصحبه الميامين وسلم تسليماً كثيراً.

أما بعد:

فإن هذه الدراسة تتناول جانباً من الأسلوب القرآني متمثلاً في استعمال بعض الألفاظ المترادفة، وتتبع سياقاتها المختلفة، وقد تم اختيار لفظتي (الشك، والريب) نموذجاً لذلك.

وتهدف هذه الدراسة إلى التأكيد على احتلال المفردات القرآنية مواضعها في السياق الذي وردت فيه، حيث لا يمكن أن تصلح مكانها لفظة أخرى، وذلك أمر ينبغي التسليم به قبل أي دراسة للأسلوب القرآني.

ومن هنا يظهر الفرق بين الدراسات التي تتناول القرآن الكريم، والدراسات التي تتناول النصوص الأدبية الأخرى، سواء كانت نثراً أم شعراً.

الدكتور،

محمد رضا

الشخص*

* بكالوريوس في اللغة العربية وآدابها من جامعة الرياض - سابقاً - الملك سعود الآن عام 1399هـ. ماجستير في علم البلاغة العربية من قسم اللغة العربية وآدابها من الجامعة نفسها عام 1408هـ. دكتوراة في التخصص نفسه والجامعة نفسها عام 1416هـ. يعمل الآن استاذاً مساعداً بجامعة الملك سعود - قسم اللغة العربية.

16 JUL 2008

تفسير آية «بيعة النساء في سورة الممتحنة»...

- كركر، عصمت الدين بنت محمد: المرأة في العهد النبوي - ط 1 - بيروت: دار الغرب الإسلامي، 1993م.
- اللحام، حنان. تأملات في منزلة المرأة في القرآن الكريم - ط 1 - دمشق: دار الآفاق والأنفس، 1416هـ/ 1996م.
- ابن ماجه، أبو عبدالله محمد بن يزيد القزويني. سنن ابن ماجه - القاهرة: مطبعة عيسى البابي الحلبي.
- محمد الطاهر بن عاشور. التحرير والتنوير - بدون بيانات -
- ابن منظور. لسان العرب؛ تسيق وتعليق علي شيري - ط 2 - بيروت: دار إحياء التراث العربي ومؤسسة التاريخ العربي، 1412هـ/ 1992م.
- موسوعة الكتب الستة؛ إشراف الشيخ صالح آل الشيخ - ط 1 - دار السلام: الرياض، 1420هـ/ 2000م.
- النسائي، أحمد بن شعيب بن علي. سنن النسائي - بيروت: دار الكتب العلمية.
- النووي، محيي الدين أبو زكريا. شرح صحيح مسلم، طبعة دار الفكر - بدون بيانات.
- ابن هشام، أبو محمد عبد الملك بن هشام. سيرة النبي ﷺ؛ راجع أصولها ووضع فهارسها: محمد محيي الدين عبد الحميد - دار الفكر - بدون بيانات.
- الهيتمي، نور الدين علي بن أبي بكر. مجمع الزوائد ومنيع الفوائد - بيروت: دار الكتاب العربي، بدون بيانات.
- الواحدي، أبو الحسن علي بن أحمد النيسابوري. أسباب النزول؛ تعليق وتخريج مصطفى ديب البغا - ط 2 - دمشق: دار ابن كثير، 1417هـ.

La n

الظن

الوحي كما ورد فى قوله تعالى ﴿فوجدنا عبدا من عبادنا آتيناها رحمة من عندنا وعلمناه من لدنا علما﴾ (الكهف ٦٥).

أما فى الحديث الشريف فقد ورد هذا اللفظ عدة مرات معظمها بمعنى الظن أو الاعتقاد الراجح وبعضها الآخر يتضمن اليقين، كما ورد فى قول الرسول ﷺ لأبى بكر وهما فى الغار: (ما ظنك باثنين الله ثالثهما) (البخارى فى تفسير سورة التوبة). وكذلك قوله ﷺ فى الحديث القدسى: (أنا عند ظن عبدي بى إن خيرا فخير وإن شرا فشر) وفى رواية أخرى: (فليظن بى ما يشاء) (البخارى فى التوحيد ومسلم فى التوبة). أما فيما يفيد الاعتقاد الراجح فى مقابل اليقين فقد ورد عن عروة بن الزبير عن عائشة رضى الله عنها فى تفسير قوله تعالى ﴿حتى إذا استيئس الرسل وظنوا أنهم قد كذبوا جاءهم نصرنا﴾ (يوسف ١١٠): قالت عائشة: «كُذِّبوا، قلت: فقد استيقنوا أن قومهم كذبوهم فما هو بالظن. قالت: أجل، لعمري لقد استيقنوا بذلك. فقلت لها: وظنوا أنهم كُذِّبوا، فقالت: معاذ الله، لم تكن الرسل تظن ذلك بريها» (انظر البخارى فى تفسير سورة يوسف الآية ١١٠).

وقد ورد الظن مرادفًا للشك فى بعض

لغة؛ هو التردد الراجح بين طرفى الاعتقاد غير الجازم. وجمعه ظنون وأظنانين. وقد يوضع موضع العلم.

واصطلاحًا: هو الاعتقاد الراجح مع احتمال النقيض، ويستعمل فى اليقين والشك. وقيل: الظن أحد طرفى الشك بصفة الرجحان.

وقد ورد لفظ الظن بالمعنى السابق أكثر من ستين مرة، إضافة إلى ثمانى مرات بمعنى اليقين فى مثل قوله تعالى: ﴿الذين يظنون أنهم ملاقوا ربهم وأنهم إليه راجعون﴾ (البقرة ٤٦)، وكذلك فى قوله تعالى: ﴿إنى ظننت أنى ملاق حسابيه﴾ (الحاقة ٢٠).

استخدم لفظ الظن فى الفلسفة الإسلامية وعلم الكلام بالمعنى الغالب فى آيات القرآن الكريم ومقابلا للعلم أو الحق طبقًا لما ورد فى قوله تعالى: ﴿وما يتبع أكثرهم إلا ظنا إن الظن لا يغنى من الحق شيئا﴾ (يونس ٣٦).

والظن درجة من درجات العلم الذى لا يصل إلى درجة اليقين. وقد قسم المفكرون المسلمون العلوم إلى علوم ظنية، وعلوم يقينية. فالعلوم الظنية: هى العلوم التى يحصلها الإنسان بإدراكاته الحسية والعقلية. أما العلوم اليقينية فهى العلوم التى يأتى بها

علی طریحی نجفی (م ۱۰۸۵ ق)، وی کتاب خود را درباره حجیت ظن خاص و رد بر ملا محمد امین استرآبادی نوشته است. می‌گوید ملا محمد امین، عمل به ظن را در احکام الهی ناروا دانسته و برای اثبات نظر خود به عمومیت دلایل قرآن مجید و احادیث حاکی از نهی عمل به رأی (که ظن مستفاد از اجتهاد است)، استناد جسته است. شیخ طریحی سپس مفصلاً به شرح و بیان مطالب موافقان و مخالفان پرداخته و حجیت ظن خاص را اثبات کرده است. نسخه‌ای خطی از کتاب او در کتابخانه «تستریه» موجود است؛ (۲) شیخ اسدالله دزفولی کاظمی (م ۱۲۳۴ ق)؛ (۳) سید محمد حسین قاضی طباطبایی تبریزی (م ۱۲۹۴ ق)، نسخه دست نویس کتاب وی در کتابخانه خانوادگی اوست؛ (۴) میرزا ابوالقاسم نراقی (م ۱۳۱۹ ق)، او قایل به حجیت ظن است و در کتاب خود گفته‌های منکران آن را رد می‌کند؛ (۵) آیه‌الله علامه سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (م ۱۳۳۷ ق)، کتاب او درباره حجیت ظن به سال ۱۳۱۶-۱۳۱۷ و ۱۳۲۵-۱۳۲۶ ق در تهران به چاپ رسیده است.

منابع: الذریعة، ۲۷۲/۶؛ ترمینولوژی حقوقی، دکتر جمفری لنگرودی، ۴۳۵؛ ریحانة الادب، ۳۱۹/۶؛ فهرست کتابهای چاپی عربی، محمد حسین روحانی، ۳۰۴.

حجیت ظواهر، از اصطلاحات اصول فقه امامیه، مقصود از ظواهر دلالت متن یک نوشتار یا گفتار است، یا به عبارت دیگر استفاده‌های مستقیم و تحت الفظی عُرْف عام از یک نوشته یا گفته را ظاهر استفاده شده از آن گویند. تردیدی وجود ندارد هنگامی که شخص سخنی بر طبق اصول و دستور یک زبان متداول می‌گوید عُرْف آگاه بدان زبان و سخن دان از ظاهر سخن گوینده موضوعی را فهمیده و استفاده می‌کند. به تعبیر دیگر هنگام شنیدن آن سخن یا نوشته هر یک از الفاظ و کلمات و عبارات و جمله‌های استفاده شده و دارای معنای معین، تک تک آن معانی را در ذهن او تداعی می‌کند؛ و در نهایت مجموع این معانی یک مطلب کلی که همان موضوع گفته یا نوشته شده است را در ذهن او به وجود می‌آورد. برای مثال اگر شخصی بگوید یا بنویسد (دوستم از سفر بازگشت) مجموع ظاهر الفاظ این جمله یک مطلب را به شنونده و خواننده آن می‌فهماند و آن بازگشت این شخص معین است. با استقرار این فهم در ذهن شنونده یک احتمال و ظن به همراه او می‌آید و آن ظن و گمان شنونده به بازنگشتن آن مسافر است، حال در این مرحله آیا شنونده می‌تواند به ظن حاصل در ضمیر خود اعتناء کرده و اهمیت دهد، و به عبارت دیگر آیا صرف یک ظهور ناشی از گفته یا نوشته این شخص می‌تواند برای شنونده حجیت شود به گونه‌ای که او را وادار به کاری نظیر رفتن به دیدن مسافر نماید؟ یا آن که هنگامی می‌تواند بر این ظهور ترتیب اثر دهد که حجیت ظهور ثابت شود و با

حجیة الظن، عنوانی برای برخی از کتابهای اصول فقه که دانشمندان شیعی نگاشته‌اند. درباره حجیت بودن «ظن» از دیرباز میان فقهای شیعی گفت و گوی بسیار بوده است. ظن در اصول فقه چنین تعریف شده است که حالتی است نفسانی و درونی میان قطع و یقین و «شک متساوی‌الطرفین». ظن از شک بالاتر است و از قطع و یقین فروتر، آن را اقسام گوناگونی است مانند ظن انسدادی، ظن خاص، ظن خاصی، ظن غالب، ظن متأخم به علم، ظن مطلق، ظن مطلق، ظن معتبر و جز آن. درباره هر یک از اینها و مقدار حجیت هر کدام، به تفضیل در کتابهای اصول فقه شیعیان امامی بحث شده است. گروهی نیز در این باره کتابهای جداگانه نوشته‌اند که تنی چند از ایشان بدین گونه‌اند: (۱) شیخ فخرالدین بن محمد

به وسیلهٔ راویان روایت گردیده و بعدها در مجموعه‌های حدیثی گردآوری شده است. از این رو اصولی جز الفاظ و جملات چیزی در برابر خود نمی‌بیند و مجبور است با آنها کار کرده و حکم شرعی را استنباط کند. هنگامی که فقیه و اصولی با یک آیه قرآن یا متن یک حدیث روبرو می‌گردد از ظواهر آن دو، موضوعی را درک می‌کند و در ذهن او یک ظن نسبت به آن موضوع شکل می‌گیرد. در این صورت است که اصولی با یک شوال مهم روبرو می‌گردد، که به چه دلیل این ظاهر حجیت است؟ و چگونه می‌تواند با اعتماد بر ظن به وجود آمده در ذهنش یک حکم شرعی مطابق با ظاهر آیه یا حدیث را استنباط کند؟ به ویژه آن که اصل اولی درباره ظنون، عدم حجیت است زیرا ظن جز احتمال چیزی نمی‌باشد و نمی‌توان بر احتمال آثار شرعی و قانونی بار کرد مگر آن که این ظن حجیت یافته و اعتبار و ارزشی برای آن از خارج ذاتش جعل شود و گرنه ذات ظن بی حجیت است. حال اگر دلیلی یافتیم که ظن را حجیت دانست مطلق ظواهر، حجیت دار شده و قابل استدلال و استفاده و اثر دار می‌گردد. اصولیین امامیه طی بحثهای دامنه‌دار و گام به گامی یک یک موانع حجیت ظواهر را از سر راه برداشته و در نهایت به پایه‌گذاری اصل حجیت ظواهر رسیده‌اند. آنان نخست به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که هرگاه گوینده و نویسنده لفظی را در معنایی که در لغت برای آن وضع و قرار داده شده استفاده کند، آن لفظ مفهومی ظاهر داشته و دلالت بر معنایی می‌کند که در ساختمان زبان برای آن قرار داده شده است. بنابراین پایه اول در به وجود آمدن ظهور برای هر کلمه و لفظ استعمال و استفاده از آن کلمه در همان معنایی است که در زبان برای آن قرار داده شده است. سپس به بررسی این مسأله پرداخته‌اند که گوینده و نویسنده نیاز به نشان دادن قرینه و نشانه‌ای بر جدی بودن خود در استفاده از این کلمات معنی دار دارد، یعنی هدف او فهماندن و انتقال دادن این معنایی از ذهن خود به وسیلهٔ این کلمات به ذهن شنونده و خواننده است. ضرورت نیاز به این نشانه‌ها به ویژه در مواردی که در متن کلمات مشترک و متشابه و مبهم و گنگ استفاده شده بیشتر احساس می‌شود. با تثبیت این دو اصل، اصولیین امامیه به بررسی و تحلیل وضع مردم در جوامع گوناگون پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که کلمات و الفاظ و جملات وسیلهٔ ارتباط و تفهیم و انتقال مفاهیم میان مردان آگاه جوامع گوناگون است. مردم نه تنها خود بنابر این اصول عمل

07 EXLIDOL 1999